

بررسی دیدگاه محمد شحرور پیرامون داستان‌های قرآنی بر اساس ارتباط ساختاری یا سیاق (مطالعه موردی: آیات مربوط به داستان هود (ع) در سوره هود)

مهناز راحتی بلاباد

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

سوسن آل رسول *

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تهمینه پارسایی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

چکیده

محمد شحرور قرآن‌پژوه سوری، داستان‌های قرآن را حوادث تاریخی می‌داند که ارتباطی با شریعت و الزام به اطاعت ندارد بلکه جدال انسان با طبیعت و جامعه را نشان می‌دهد و باید برداشت جدید بر مبنای علم روز، از آن‌ها استنباط شود. بر اساس روش ارتباط ساختاری (سیاق) که از آن برای کشف ارتباط نظام‌مند اجزاء قرآن استفاده می‌شود، هر سوره دارای چندین ساختار و هدف هر ساختار در راستای غرض اصلی سوره است.

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، ارتباط ساختاری آیات مربوط به داستان هود (ع) در سوره هود، در راستای غرض اصلی سوره و ارتباط با سایر اجزای سوره بررسی شد و با نظریه شحرور مورد قیاس قرار گرفته است. شحرور تنها از بعد تاریخی به داستان هود (ع) پرداخته، لکن در تحلیل ساختاری ارتباط داستان هود (ع) با سایر اجزاء سوره، اغراض مهمی مانند: توحید، هدایت، تربیت و غیره، به دست آمد؛ همچنین با تحلیل سیاق‌ها ارتباط توحید با رسالت، روشن شد.

واژگان کلیدی: داستان‌های قرآن، سوره هود، شحرور، ارتباط ساختاری (سیاق)

* نویسنده مسئول: s_alerasoul@kiau.ac.ir « روش ارجاع به این مقاله: راحتی بلاباد، مهناز؛ آل

رسول، سوسن و پارسایی، تهمینه. (۱۴۰۳). بررسی دیدگاه محمد شحرور پیرامون داستان‌های قرآنی بر اساس ارتباط

ساختاری، دو فصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۴ (۷)، ۲۶-۱

۱- مقدمه

محمد شحرور در سال ۱۹۳۸ در سوریه چشم به جهان گشود و برای تحصیل در رشته مهندسی عمران به شوروی رفت. در سال ۱۹۶۴ از دانشگاه مسکو فارغ‌التحصیل شد؛ سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه دوبلین ایرلند رفت و بعد از دانش آموختگی به دمشق بازگشت. وی در سال ۲۰۱۹ درگذشت و در دمشق به خاک سپرده شد (ناصری طاهری، ۱۴۰۰). شحرور به علت آشنایی با فلسفه مارکسیسم در شوروی، در باورهایش دچار تردید شد و با نگاه تازه به دین، با اینکه تحصیلات اسلامی نداشت، سیزده کتاب در زمینه اسلام‌شناسی منتشر کرد که از جمله آن‌ها می‌توان «الکتاب و القرآن؛ قراءة معاصرة» را نام برد.

با توجه به جایگاه علمی شحرور در جامعه عرب و تأثیرگذاری در افکار سطوح مختلف جامعه، بررسی آراء قرآنی وی مسئله قابل توجهی به نظر می‌رسد. او علم الهی را مطلق می‌داند که در قالب نصّ ثابت قرآن است و محتوای آن در حال حرکت و متغیر است، چون علم انسان‌ها محدود می‌باشد؛ پس برداشت‌ها در عصرهای مختلف توسط انسان‌ها قابل تأویل است و با توجه به علومی که فرد کسب می‌کند، درک نسبی از محتوای متن دارد. شحرور می‌خواهد تمدن غربی را در جامعه اسلامی بازتولید کند و مشروعیت آن را از قرآن استنباط کند؛ پس نیازمند دستاوردهایی است که بر آن حمل شود. برای این منظور، معتقد است به‌کارگیری مبانی فکری جدید در داستان‌های قرآنی جایگاه ویژه‌ای در نگرش نوین به دین ایفا می‌کند (شحرور، ۲۰۱۰). چون در داستان‌ها مراحل پیشرفت و تکامل انسان در جهت حرکت تاریخی، مطرح شده است و الزام به قوانین تشریحی و بایدها و نبایدها در آن‌ها وجود ندارد (شحرور، ۲۰۱۲)، بیان سرگذشت اقوام پیشین برای تدبّر، تفکر و عبرت است.

شحرور معتقد است قوانین طبیعت که در زندگی انسان نقش دارند بر تاریخ حاکم هستند و داستان‌ها مجادله انسان آزاد با تاریخ، طبیعت و جامعه است (شحرور، ۲۰۱۲). داستان‌ها وقایعی از انتخاب مردم عصر خود بوده و نمی‌توان آن‌ها را بخشی از پیامی تلقی کرد که از جانب خداوند الهام شده و مورد نظر اوست. احکامی که در داستان‌ها وجود دارد با انسان آن عصر در تعامل بوده است، پس باید نگاهی نو به قرآن براساس نیازهای انسان در عصر جدید و علم روز صورت گیرد. او معتقد است چون بین آیات قرآن و برداشت از روایات در عصر تدوین و اعصار بعد، تناقض به وجود آمده و به علت اینکه فهم دینی در حال حاضر با آنچه از سنت به ما رسیده متفاوت است، نص قرآن از سنت جدا است و باید برداشت جدیدی از قرآن صورت گیرد (شحرور، ۲۰۱۲).

او معتقد است گذشتگان، قصص را مبنای محکمی برای تشریحات قرار داده‌اند و در فضای دعوای انبیا و مخالفان، عقیده‌ای شکل داده‌اند که مؤمنان حافظان رسالت هستند و هر کس با آن‌ها مخالفت کند، مانند مخالفان پیامبران می‌شود و تصویر مخالفان پیامبران هم در تاریخ پیداست. این عقیده تبدیل به تاروپود گفتمان اسلام در جهان معاصر و قدرت‌بخشیدن به مرجعیت دینی خودشان است (شحرور، ۲۰۱۲) درحالی‌که داستان‌ها باید خوانده شوند تا ارتباط مدل‌های قانونگذاری تاریخی در حوادث به دست آید و درک جدیدی از آنچه قرآن بیان کرده، حاصل شود (شحرور، ۲۰۱۲). برای بررسی نظر شحرور، آیات مربوط به داستان حضرت هود (ع) در سوره هود انتخاب شده و با توجه به ارتباط ساختاری تحلیل و بررسی می‌شود.

۲- بیان مسئله

شحرور داستان‌ها را سنت نبوی می‌داند و آنچه را درباره داستان‌ها در زمان پیامبر گفته شده قابل اطاعت می‌داند، ولی معتقد است امروزه با توجه به تکامل عقل بشر، انسان‌ها

باید خودشان برداشت جدیدی از داستان‌ها داشته باشند و دیگر نیازی به آنچه پیامبر در مورد داستان‌ها گفته، نمی‌باشد؛ چون ارتباطی به شریعت ندارد. شحرور داستان‌ها را یک سلسله حلقه بسته و متوالی می‌داند که مثل روندهای مالی و اقتصادی نیستند و جدال انسان با خود و جامعه هستند (شحرور، ۲۰۱۲). شحرور الزامات داستان‌ها را برای مردم عصر خودشان محسوب می‌کند و بیان آن‌ها در قرآن را چنین می‌داند که دارای احکام و باید‌ها و نباید‌ها برای ما نیستند و برای عبرت‌آموزی بیان شده‌اند. اگر این عقیده درست باشد، می‌تواند قابل تعمیم به آیات دیگر باشد و اعتقادات مسلمانان را زیر سؤال ببرد؛ پس اصلی‌ترین مسئله در این پژوهش اثبات درستی یا نادرستی نظریه شحرور است.

۳- پیشینه

در پیشینه این مبحث یک داستان قرآنی خاص از نظر شحرور مورد بررسی قرار نگرفته، ولی در مقاله «واکاوی خوانش نواندیشانه محمد شحرور پیرامون داستان‌های قرآنی» (رجب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰) دیدگاه شحرور درباره کلیت داستان‌های قرآن بررسی شده که داستان‌های قرآنی را پسارسالتی و دارای کارکرد محدود می‌داند که تنها حادثه پیرامون آنها جریان دارد و اخبار غیبی هستند که تنها در زمان پیامبر الزام به اطاعت آنها بوده است (شحرور، ۲۰۱۲)

چون در این مقاله داستان حضرت هود (ع) بر اساس ارتباط ساختاری بررسی می‌شود، از پیشینه‌ای که در مورد ارتباط ساختاری باشد، می‌توان مقاله «روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌ها» (خامه‌گر، ۱۳۸۸) را نام برد که با به‌کارگیری این روش در ساختار سوره آل‌عمران، اتحاد و انسجام جامعه دینی را از آن به دست آورده است.

در این مقاله با استفاده از کلمات کلیدی سیاق مربوط به داستان هود (ع) (آیات ۵۰-۶۰) و سایر سیاق‌ها، پیوستگی آن‌ها با یکدیگر و ارتباطشان با هدف اصلی سوره، جهت بررسی دیدگاه شحرور انتخاب شده‌اند.

۴- روش شناسی

شحرور معتقد است همان‌طور که نماز، روزه و سایر احکام در بین یهود، نصارا و مسلمانان به مرور تکمیل شد، اختلاف در شعائر و ارزش‌ها و تغییر در احکام در داستان‌های پیامبران به صورت واضح ظاهر می‌شود. بعد از رسالت پیامبر چون نبوت خاتمه پیدا کرد، نور خدا در قالب وحی ظهور پیدا کرده و مردم آن را دریافت کردند و تحت هدایت آن قرار گرفتند و معرفت آن‌ها تکمیل شد. پس انسان به بلوغی رسید که می‌تواند موکل به نفس خودش باشد و مسائل خودش را از قرآن استنباط کند (شحرور، ۲۰۱۲). با این دیدگاه او داستان‌های قرآنی را وقایعی تاریخی می‌داند که ارزش آن‌ها در حد عبرت‌آموزی است و با استفاده از داستان‌ها ایده جدایی سنت از نصّ (قرآن) را به اثبات می‌رساند (شحرور، ۲۰۱۰).

با توجه به نظریه شحرور در مورد داستان‌ها و حجم زیادی از آیات قرآن که به داستان اختصاص دارد، بررسی این نظریه ضروری است. همچنین به نظر می‌رسد که داستان‌ها برای هدف خاصی نازل شده‌اند و در هر سوره، بخشی از داستان آمده که در پیوند با سایر اجزای سوره و در راستای غرض سوره است. با توجه به این‌که بر مبنای ارتباط ساختاری پیوندی یکپارچه میان عناصر هر سوره وجود دارد (علوی مقدم، ۱۳۷۷) که این ارتباط به صورت لفظی و محتوایی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳۰)، در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، ارتباط داستان حضرت هود (ع) براساس ارتباط ساختاری در سوره هود بررسی و با نظریه شحرور مقایسه می‌شود.

۵- بحث و بررسی

۵-۱) خاستگاه منظومه فکری محمد شحرور

شحرور در مقدمه «الکتاب و القرآن؛ قراءه معاصره» انگیزه و ضرورت تفسیر نواندیشانه از قرآن را چنین ذکر می‌کند: قرن‌هاست تصویر معکوسی از اسلام عرضه شده و مسلمانان اسیر مسلماتی شدند که باید با ارائه دلایلی، معکوس بودن آن‌ها را اثبات نموده و ضرورت تجدید نظر در آن‌ها وجود دارد (شحرور، ۲۰۱۷). او با راه حل ابتکاری خود که گاهی از مرزهای دین خارج است، برای رهایی اعراب از بحران‌های سیاسی و فکری کاوش می‌کند. شحرور این سؤال را از خود می‌پرسید: چرا غرب پیشرفت کرد و جهان اسلام دچار عقب‌ماندگی و انحطاط شد؟ راهکار رهایی از این انحطاط چیست؟ شحرور جریان سید جمال و شاگردانش را جریانی می‌دانست که سعی دارند مسائل اجتماعی و فرهنگی دنیای معاصر را به مسائل قرن اول هجری ارجاع دهند و آن را غلط می‌پنداشت. لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها و ناسیونالیست‌ها را بی‌توجه به اسلام انگاشت و خودش در پی پاسخ به این سؤال برآمد. پاسخ او بازخوانی دین با نگاهی مجدد به قرآن به عنوان منبع اصلی دین و رهایی از سنت است (بطحایی، ۱۴۰۰) و برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی، برداشت‌های نوین از قرآن را بدون توجه به روایات و سنت، مطرح می‌کند.

۵-۲) دیدگاه شحرور در مورد قوم هود (ع)

از نظر شحرور داستان‌های قرآنی جدال انسان با خودش، طبیعت و جامعه است و حوادث تاریخی هستند که ایدئولوژی افراد را بیان می‌کند. خطاب در داستان‌ها به یاران پیامبر در عصر نزول برمی‌گردد و جامعیت ندارد (شحرور، ۲۰۱۲: ج ۲). اعتقاد به توحید و دعوت به عبادت خدا در قصص به طور واضح آمده؛ ولی با توجه به تفاوت در احکام و شعائر، باید بر مبنای روش علمی عصر جدید و متفاوت با ساختار ذهنی گذشتگان آن را

نقد کنیم که این کار مستلزم نقد دوره قبلی است. در مورد قوم هود (ع) می‌گوید: چون قوم نوح قبل از آن‌ها بودند و با طوفان غرق شدند، پس قوم هود (ع) خانه‌هایشان را روی بلندی‌ها و کوه‌ها ساختند. در عصر آن‌ها زراعت آغاز شد و چهارپایان و ابنیه مسخر آن‌ها شدند. بت‌ها نزد آن‌ها ظهور پیدا کردند و تمدنی داشتند که تمدن دیگری مثل آن نبود و آن تمدن با طوفان شن مدفون شد (شحرور، ۲۰۱۰). بعثت حضرت هود (ع) محدود به دعوت توحیدی بود و به دلیل به جای نیابردن شکر نعمت، توسط طبیعت باد که در مناطق مرتفع تأثیرگذار است، نابود شدند (شحرور، ۲۰۱۲: ج ۲). در کاوش‌های باستان‌شناسی آن‌چه درباره قوم هود (ع) در قرآن آمده، کشف شده‌است.

شحرور داستان‌ها را جزء پیامی نمی‌داند که از جانب خداوند الهام شده‌باشد و معتقد است شکل‌گیری دو دسته مؤمنان و مخالفان توسط گذشتگان بوده که مؤمنان را حافظ رسالت و منکران را مخالف پیامبر محسوب می‌کنند (شحرور، ۲۰۱۰: ج ۱).

۵-۳) مبانی نظری پژوهش: ارتباط ساختاری یا سیاق

داستان‌های قرآن حوادث تاریخی واقعی هستند و به تصریح قرآن، حوادث و سرگذشت‌ها در قرآن به حق بوده و نقل آن‌ها از طرف خداوند به حق است. دور از ذهن است که داستان‌هایی که در میان سایر موضوعات مانند: احکام، اخلاق و اعتقادات آمده‌اند، صرفاً یک روایت تاریخی و پندآموز باشند. با بررسی ساختاری آیات مربوط به داستان قوم هود و جایگاه آن در سوره هود (ع)، ارتباط آن با سایر اجزاء سوره و تأثیر آن برای عصر کنونی به دست خواهد آمد.

بررسی پیوستگی آیات در جهت کشف پیوند آیات و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، به فهم قرآن کمک می‌کند و چگونگی پیوستگی آیات را آشکار می‌سازد. با در نظر گرفتن انواع ارتباط میان آیات، می‌توانیم با تکیه بر روش تفسیر قرآن به قرآن، به کشف مدلول‌ها و

مقاصد آیات پردازیم. هر آیه را باید به عنوان عضوی از مجموعه آیات در نظر گرفت، حدود آن مجموعه را اتصال لفظی و مفهومی تعیین می‌کند. هر آیه در فضایی ویژه قرار می‌گیرد که باید میان آن با سایر آیات، مناسبت و سنخیت برقرار باشد که به یکدیگر معنا دهند (ترشیزی و همای، ۱۳۹۸)؛ زیرا هر مجموعه از آیات، پیام جداگانه‌ای دارد و هر تفسیری از آیه که با آن تناسب منافات داشته باشد و با آن قابل جمع نباشد، از دایره تفسیر صحیح خارج خواهد بود (سبحانی، ۱۳۶۰: ج ۱).

با استفاده از نظریه هدفمندی سوره‌های قرآن که مورد توجه رشید رضا، سید قطب، سید محمدحسین طباطبایی، محمدهادی معرفت و محمد خامه‌گر بوده است و جمع‌بندی روش ساختاری، با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان و پردازش صعودی با تقسیم متن به اجزا و واحدهای کوچک‌تر، پیوستگی آیات مربوط به داستان هود (ع) در ارتباط با کل سوره هود کشف می‌شود. نگرش کلی به سوره با استفاده از عناصر درون‌متنی و برون‌متنی غرض سوره را مستدل ارائه می‌دهد (حکم‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۸-۷). همچنین ارتباط واژگان کلیدی هر سیاق با دیگر سیاق‌های سوره هود (لایقی و همای، ۱۳۹۹) از جنبه اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و... در راستای غرض سوره به دست خواهد آمد.

۵-۳-۱) بررسی ارتباط ساختاری داستان هود (ع) با سوره هود

غرض محوری سوره هود مانند سور مکی، اصول دین (توحید - نبوت - معاد) است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۳۷). تشریح بی‌منطقی کافران در مخالفت‌هایی که با مضامین قرآن و رسول خدا داشتند و ترسیم وظایف و مسئولیت‌هایی که حضرت محمد (ص) در مواجهه با این مخالفت‌ها برعهده داشت، مقصود سوره را تشکیل می‌دهند (بهجت پور، ۱۳۹۲: ج ۵). سوره هود دارای ۱۰ سیاق است که سیاق‌ها با محوریت سیاق مربوط به حضرت هود (ع) در آیات ۵۰ تا ۶۰ بررسی خواهند شد. انتخاب کلمات کلیدی در سیاق‌ها

بر اساس کلمات مشترک با سیاق هود (ع)، یا کلماتی که نتیجه محاوره هستند یا بر اساس تأکید یا تکرار که در آیه آمده انتخاب شدند، انتخاب کلمات کلیدی با یکدیگر مرتبطند و توصیف محتوای مربوطه است (نک: بازرگان، ۱۳۷۵: ج ۱).

۵-۳-۱-۱) سیاق محوری

پنجمین سیاق سوره هود مربوط به داستان هود (ع) و قومش است که ناکامی مخالفان هود (ع) را بیان می‌کند: «وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (۵۰) يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱) وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (۵۲) قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۵۳) إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۵۴) مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ (۵۵) إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَىٰ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۶) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۵۷) وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۵۸) وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۵۹) وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادِ قَوْمِ هُودٍ (۶۰)» (هود: ۱۱ / ۵۰-۶۰)

واژگان کلیدی این سیاق عبارتند از: آخ، اعبدوا الله، مافترون، استغفروا، توبوا، توکلت، برحمة، لعنة، جحدوا بايات، عصوا رسله، كفروا. در این سیاق هود (ع) برادر نسبی و قومی نامیده شده که به سوی قوم عاد فرستاده می‌شود تا آن‌ها را به عبادت خدا و دوری از شرک فرمان دهد و از آن‌ها می‌خواهد با تعقل، بدرگاه الهی استغفار و توبه نمایند تا

خداوند نعمت‌های مالی و جسمی را بر آنها فراوان کند. در ادامه سیاق، قوم با خواستن بینه و دلیل از هود (ع) و ترک نکردن خدایانشان، اعلام می‌کنند که به او ایمان نمی‌آورند و تهمت آسیب رساندن از جانب بتها به هود (ع) را مطرح می‌کنند.

هود (ع) وقتی با این رفتار قوم مواجه می‌شود با توکل به خداوند از آن‌ها می‌خواهد هرچه توطئه علیه هود (ع) می‌تواند انجام دهند، سپس آنها را به مبارزه می‌خواند. می‌توان این رفتار هود (ع) را اعجاز نامید که به تنهایی در برابر تمام افراد قوم مقابله کرد؛ چون می‌دانست که نمی‌تواند کاری بکنند و خدا با اوست. هود (ع) و مؤمنان به واسطه رحمت خاصی از جانب خداوند نجات یافتند و قوم با غذایی سخت، به خاطر انکار آیات و نافرمانی از پیامبرشان نابود شدند. تبعیت از هر زورگوی طاغی، موجب لعنت در دنیا و آخرت و دور شدن از رحمت خداوند است. با استفاده از کلمات کلیدی سیاق، به رفتارهای قوم و هود (ع) و عاقبت کارشان اشاره شد. استفاده از این کلمات در سایر سیاق‌ها ارتباط آیات و غرض سوره هود بیان خواهد شد.

۵-۳-۱-۲) ارتباط سیاق‌های سوره هود براساس سیاق آیات مربوط به داستان هود (ع) انتخاب کلمات کلیدی سیاق به گونه‌ای است که توسط آن‌ها محتوای کلی متن به دست می‌آید یا بواسطه آن‌ها می‌توانیم متن را توصیف کنیم. پس از بررسی تمام سیاق‌های سوره هود و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و سیاق محوری می‌توان گفت: کلمات کلیدی سیاق محوری که در سایر سیاق‌ها تکرار شده و ارتباط سیاق‌ها با یکدیگر از طریق همین کلمات است که شامل: توحید عبادی، استغفار، توبه، بینه، رحمت، افترا و توکل می‌باشد.

سوره هود با توضیح در مورد نزول قرآن آغاز شده است. در اولین سیاق (آیات ۱-۸)، توصیه به توحید عبادی و استغفار و توبه شده است. در سیاق دوم (آیات ۹-۲۴)، توحید عبادی و آوردن بینه توسط پیامبر و افترا زدن به ایشان آمده است. در سیاق سوم

(آیات ۲۵-۳۵)، توحید عبادی و آوردن بینه و رحمت از جانب خدا توسط پیامبر و در نهایت افترا زدن به پیامبر خدا بوده است. در سیاق چهارم (آیات ۳۶-۴۹)، رحمت و مغفرت را از جانب خداوند می‌داند که اگر شامل حال کسی نشود او از خاسرین است. در سیاق پنجم و محوری (آیات ۵۰-۶۰)، توحید عبادی، استغفار، توبه و توکل بر خداوند تا رحمت شامل حال آنان شود. در سیاق ششم (آیات ۶۱-۶۸)، توحید عبادی، استغفار و توبه از جانب پیامبر، پیروی از نیاکان توسط قوم، شک داشتن بر حقانیت گفته‌های پیامبر و دوباره تأکید پیامبر بر داشتن بینه و رحمت از نزد خداوند که رحمتش شامل حال پیامبر و مؤمنان شد.

در سیاق هفتم (آیات ۶۹-۸۳)، رحمت خداوند بر اهل بیت را متذکر شده و هر مؤمنی که به لحاظ اعمال و رفتار به پیامبر نزدیک باشد، اهل بیت ایشان محسوب خواهد شد. در سیاق هشتم (آیات ۸۴-۹۵)، یادآوری توحید عبادی از جانب پیامبر و پیروی قوم از پدرانشان آمده است، پیامبر خود را دارای بینه‌ای از جانب خداوند می‌داند و در برابر رفتار قوم بر خداوند توکل می‌کند، در نهایت به استغفار و توبه دعوت کرده و رحمت خداوند را شامل حال پیامبر و مؤمنان می‌داند، این سیاق با سیاق پنجم در کلمات کلیدی مشترکند و هر دو از سیاق‌هایی هستند که در آنها کلمه هود آمده است. در سیاق نهم (آیات ۹۶-۱۰۹)، علت رفتار ظالمانه منکران را پیروی از نیاکان می‌داند و در سیاق دهم (آیات ۱۱۰-۱۲۳)، توبه کنندگان را افرادی می‌نامد که رحمت خداوند شامل حالشان می‌شود و در آیه آخر سوره دستور به عبادت خداوند و توکل داده شده است. ارتباط داستان با سیاق‌ها و هدف سوره مطابقت دارد و داستان در ارتباط لفظی و معنایی با دیگر سیاق‌ها است.

۴-۵) عناصر درون متنی سوره هود

برای به دست آوردن غرض سوره و ارتباط با سیاق مربوط به هود (ع) از عناصر دیگری مانند آیات آغازین و پایانی، اسماء الحسنای سوره، شخصیت‌ها و داستان‌های به کار رفته در سوره هود استفاده می‌شود.

۵-۴-۱) آیات آغازین و پایانی

در سیاق ابتدایی (آیات ۱-۸)، خداوند از یک سو خطابش متوجه شخص رسول است و از سوی دیگر خطاب متوجه عموم مردم است: «تو ای رسول! بشر را انذار کن و بشارت ده، و به سوی این هدف دعوت کن»؛ اما خطاب متوجه مردم، برای این است که منظور اصلی از وحی و خطاب به رسول، همان معانی و دستوراتی است که مردم از رسول خدا می‌گیرند: من شما را به سوی خدا می‌خوانم، و از ناحیه خدا بشیر و نذیر هستم: (أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ) (هود: ۲) به مرحله اعتقاد درونی اشاره دارد، و آن عبارت است از توحید در عبادت و عبادت خدا به تنهایی، آن هم با خلوص نیت: (وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ) (هود: ۳) اشاره دارد به مرحله عمل، و آن عبارت است از انجام کارهای نیک تا در زندگی دنیا شما را بهره‌مند کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۰). در سیاق اصلی (آیات ۵۰-۶۰)، که مربوط به داستان قوم هود است و در سیاق مربوط به اصحاب مدین، نام هود (ع) آمده است. سیاق مربوط به قوم هود، با سیاق ابتدایی کاملاً شباهت دارد. در این سیاق هود (ع) قومش را به عبادت خدا و دوری از شرک دعوت کرد. از آن‌ها خواست تا استغفار و توبه کنند، ولی پاسخ قوم این بود که: «ما به گفته تو، خدایانمان را ترک نمی‌کنیم. به هود (ع) تهمت آسیب‌زدن خدایان (جنون یا دیوانگی) زدند. به خاطر انکار آیات و نافرمانی رسول گرفتار عذاب شدند. پس سرگذشت هود (ع) و قومش بسیار به پیامبر شباهت دارد. در سیاق مربوط به اصحاب مدین، شعیب قومش را به عبادت خدا و دوری از شرک دعوت کرد. آن‌ها رابه استغفار و توبه امرکرد ولی آن‌ها او را به تمسخر گرفتند و گرفتار عذاب شدند.

موارد ذکر شده در سیاق مربوط به شعیب با آیات در محور موضوعی و هدف سیاق با آیات آغازین مطابقت دارد. آیات سیاق پایانی (۱۱۰-۱۲۳)، درباره مبدأ و معاد و سنت جاری خدا در میان بندگانش است؛ پس در حقیقت این سوره برای آن حضرت جنبه تعلیم حق، و نسبت به مؤمنین جنبه موعظه و تذکر را دارد، همچنان که نسبت به کفار که از ایمان به خدا استنکاف می‌ورزند جنبه اتمام حجت دارد؛ «پس به ایشان آخرین حجت خود را برسان و بگو هر چه می‌خواهید بکنید ما هم هر چه به نظرمان رسید می‌کنیم، تا ببینیم چگونه سنت خدایی آن طور که خودش بیان داشته جریان می‌یابد، و چگونه مصلحین را سعادت‌مند و مفسدین را بدبخت می‌کند و در آخر، آن حضرت را به عبادت خدا و توکل بر او توصیه می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱). آیات پایانی نتیجه‌گیری و جمع‌بندی سیاق‌ها است که نتیجه نافرمانی مردم در برابر رسولان را ناشی از لجاجت و طغیان‌گری بیان می‌کند، ایمان مؤمنان را به خاطر رحم خداوند بر آن‌ها می‌داند و پیامبر را به استقامت در راه خدا و صبر و نماز فرمان می‌دهد.

۵-۴-۲) اسماء الحسنی

در سوره هود، کلمه جلاله **اللَّهُ** ۳۹ بار و کلمه **رَبِّ** ۴۳ بار تکرار شده است. کلمات **خَبِيرٌ** و **رَحِيمٌ** هرکدام، ۲ بار تکرار شده است. کلمات: **حَكِيمٌ**، **قَدِيرٌ**، **عَلِيمٌ**، **وَكِيلٌ**، **غَفُورٌ**، **أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ**، **حَفِيظٌ**، **قَرِيبٌ**، **مُجِيبٌ**، **قَوِيٌّ**، **عَزِيزٌ**، **حَمِيدٌ**، **مَجِيدٌ**، **وَدُودٌ**، **مُحِيطٌ** و **بَصِيرٌ** هرکدام یک بار در کل سوره آمده است. کلمه **رَبِّ** که اشاره به ربوبیت خداوند دارد ۴ بار بیشتر از کلمه **اللَّهُ** که اسم خاص خداوند می‌باشد، آمده است. در سیاق آیات مربوط به قوم عاد کلمه **اللَّهُ** ۳ بار و کلمه **رَبِّ** ۸ بار تکرار شده است. تکرار **رَبِّ** در این سیاق (۵۰-۶۰) نشان‌دهنده تأکید بر ربوبیت خداوند است. در سیاق مربوط به اصحاب مدین کلمه **اللَّهُ** ۴ بار و کلمه **رَبِّ** ۴ بار تکرار شده است. می‌توان گفت: قوم عاد، اله‌هایی را به جای

خداوند عبادت می‌کردند به همین علت در این سیاق به ربوبیت خداوند تأکید بیشتری دارد. پس از بررسی آیاتی که در آن‌ها صفات خداوند آمده به جز اَللّهُ وَرَبِّ، می‌توان گفت صفاتی که در این سوره به کار رفته است در راستای دل‌داری و تسلی خاطر پیامبر می‌باشد، همواره دشمنان اسلام در برابر دعوت توحیدی پیامبر ناکام هستند. خداوند قرآن را با حکمت و آگاهی به تمام جزئیات آن نازل کرد، او برهرکاری قادر است و از درون سینه‌ها باخبر است. او نگهبان و وکیل برهرچیزی است. اگر بندگان به سوی او بیایند، نسبت به آن‌ها آمرزنده، مهربان و بهترین داور است. بر هر چیزی مسلط است و اگر از او آمرزش بخواهید به شما نزدیک است و اجابت می‌کند و اگر از او روی برگردانند قوی و شکست‌ناپذیر است. به علت ستوده و بزرگوار بودنش رحمت خود را بر هرکس که بخواهد می‌دهد اگر استغفار و توبه کنید او را مهربان و بسیار بامحبت خواهید یافت و بدانید که او از اعمال شما خبر دارد و نسبت به آن‌ها بیناست.

۵-۴-۳) ارتباط داستان‌های سوره

در سوره هود، داستان قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، لوط، اصحاب مدین و داستان موسی آمده است. ابتدای سوره با خطاب به پیامبر آغاز شده که توصیه‌هایی برای زندگی نیکو به مردم می‌کند. ابتدا شریک قرار ندادن برای خداوند و استغفار از گناهان گذشته و بازگشت از معاصی به سوی خداوند، تا عمری طولانی داشته باشند و در امنیت، تندرستی و وسعت روزی تا آخر عمر مقدر، سپری کنند و دچار عذاب استیصال نشوند (کاشانی، ۱۳۶۳: ج ۲). قوم نوح، مردمانی مشرک بودند. پیش از پیامبری نوح، به وجود خداوند اعتقاد داشتند، ولی اشراف و بزرگان، پیامبری نوح را انکار کرده و توحید و برپایی قیامت را منکر شدند، همچنین شایستگی بشر برای رسالت الهی را انکار می‌کردند. آن‌ها گرفتار خوی استکباری و خودبرتربینی بودند و ایمان توده‌های ضعیف را ایمانی

سطحی و برخاسته از خوش‌باوری و عدم تفکر می‌شمردند. استکبار و خودبرتربینی، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی شده بود. داستان نوح در این سوره مفصل بیان شده و در میانه داستان خطاب به مشرکان عصر نزول می‌شود که قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر می‌دانستند. آن‌ها سرگذشت نوح و قومش را، ساختگی و بافته پیامبر می‌پنداشتند. اصرار بر کفر و انکار پیامبران و معارف الهی، موجب از دست دادن شایستگی برای ایمان و هدایت است (هاشمی، ۱۳۸۶: ج ۸).

قوم عاد به وجود خداوند معتقد بودند، ولی مشرک و پرستشگر معبودهای خودساخته بودند. مقصود از افترا، اعتقاد به وجود شریک برای خداوند است. شرک‌ورزی و انکار رسالت پیامبران، نشانه بی‌خردی است به همین جهت هود (ع) سعی کرد تا با توجه دادن به خالقیت خداوند آنها را به اندیشیدن فراخواند. آن‌ها را به استغفار و بازگشت به سوی خداوند امر کرد. حصر ربوبیت به خداوند (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ) (هود: ۵۲) و او را مدبر امور همگان دانستن، از تعالیم هود (ع) به قومش بود. هود (ع) هشدار داد که در صورت ادامه نافرمانی نابود خواهند شد و خداوند اقوامی دیگر به جای آن‌ها جایگزین می‌کند. در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک، خداوند عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد. منکران ربوبیت خدا، مخالفان پیامبر و پیروی‌کنندگان از سرکشان، در معرض عذاب‌های دنیوی‌اند (هاشمی، ۱۳۸۶: ج ۸).

قوم ثمود از طرف صالح، دعوت به خداپرستی و دوری از شرک، استغفار و توبه شدند که با سیاق قبل مشترک بود، مشرکان کوشیدند تا از یک عامل روان‌شناختی برای تأثیرگذاری بر صالح استفاده کنند: مقام و موقعیت گذشته صالح را به او یادآوری کردند که مشاور خیرخواه و دل‌سوز و مایه امید جامعه بود، اکنون با ادعای نبوت همه‌ی این‌ها در معرض خطر قرار گرفته است. آن‌ها می‌خواستند در صالح تردید ایجاد کنند و او را به سوی خود منحرف سازند. مشرکان کارهای نیاکان خود را مقدس و صحیح می‌شمردند و

حاضر نبودند از تقلید آنان دست بردارند و یا حتی در مورد آنها، فکر و تردید نمایند و بدین وسیله شرک و خرافه پرستی را توجیه می‌کردند و همین سبب انحراف آنان شد. پس از درخواست معجزه و اجابت از طرف خداوند باز ایمان نیاوردند و با عذاب صیحه (فریاد هولناک) هلاک شدند. تعبیر (ان رِبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ) (هود: ۶۶) نشان می‌دهد که عذاب الهی جنبه انتقامی ندارد، بلکه از صفت ربوبیت پروردگار که نشانه تربیت و پرورش بندگان است، سرچشمه گرفته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۹).

داستان بعد در مورد بشارت دادن فرشتگان به ابراهیم و عذاب قوم لوط می‌باشد که به خاطر اصرار بر گناه به عذاب گرفتار شدند. (مدین) نام شهر و قبیله شعیب بود، او بعد از دعوت به عبادت خداوند و دوری از شرک، با فساد اقتصادی مبارزه می‌کرد. مردم در مورد دعوت به توحید و نفی شرک گفتند: این مخالف روش پدران ماست؛ و خواستند بر تقلید کورکورانه از پدرانشان باقی باشند و در مورد اصلاحات اقتصادی و مبارزه با فساد و کم فروشی گفتند: این مطلب مخالف اقتصاد آزاد و آزادی اقتصادی ماست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۹). قوم لوط و قوم شعیب هر دو فسادگر بوده‌اند؛ یکی انحراف جنسی داشت و یکی انحراف اقتصادی و هر دو نظام اجتماعی و فضایل اخلاقی جامعه را تباه می‌ساختند. سخنان شعیب در برابر مخالفان، منطقی و پندآموز بود اما پاسخ‌های مردم مدین حکایت از نوعی لجاجت، جهل و تهدید می‌کرد. اتمام حجت بر آنها تمام شد و با عذاب صیحه نابود شدند.

داستان بعدی در مورد موسی است. ویژگی مهم سرگذشت موسی مبارزات او با طاغوت زمان و حکومت جبار فرعون است. عامل نابودی ملت‌ها، ظلم به خویشتن و شرک و پناه بردن به غیر خداست. سرگذشت‌ها و مجازات‌های پیشینیان اسطوره نبود، بلکه سنتی ابدی است که برای همه‌ی انسان‌ها اجرا می‌شود، هرچند ممکن است مجازات مشرکان یا نسل‌های ستمکار آیندگان به نوعی دیگر اجرا شود؛ همانطور که خدا به پیامبر اسلام چنان

قدرتی عطا کرد که مشرکان و ستمکاران را در هم شکست. قرآن کریم به یک قانون کلی در مورد نجات ملت‌ها از نابودی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ» (هود: ۱۱۷): و پروردگارت، هرگز آبادی‌ها را در حالی که مردم آنجا اصلاح‌گرند، ستمگرانه هلاک نمی‌کند. از آنجا که دشمنان اسلام سرسخت و بی‌رحم بودند، لازم بود که قرآن با بیان سرگذشت‌های متنوع اقوام سرکش پیشین، به تثبیت قلب و تقویت روحیه پیامبر (ص) بپردازد. این یکی از روش‌های تربیتی قرآن برای آموزش و پرورش پیامبر (ص) و مؤمنان است.

هدف قرآن از بیان سرگذشت اقوام و پیامبران گذشته، قصه‌گویی و سرگرمی نیست، بلکه داستان‌هایی هدف‌دار است که واقعیت‌های تاریخی را بیان می‌کند و پندی برای مؤمنان و تقویت روحیه آنان و پیامبر و صبر در برابر آزارهای مشرکان خواهد بود. در سیاق مربوط به هود (ع) آیات ۵۰ تا ۶۰ ایشان مخالفان توحید را به مبارزه می‌طلبیدند که هر کار می‌توانند بکنند و در انتظار عذاب الهی باشند. در آیات پایانی سوره به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که مانند پیامبران پیشین عمل کند. سخنانی که به صورت امر آمده است، برای تهدید مخالفان است که یکی از روش‌های تربیتی برای انسان‌های لجوج است که استدلال و پند و اندرز به حال آنان سودی ندارد، با سخنان تهدیدآمیز شاید بیدار شوند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۹).

پیامبرانی که نام آنها در سوره آمده و مسائلی که با آن روبه‌رو بودند در جهت اطلاع یافتن پیامبر و وحدت رویه همه پیامبران را نشان می‌دهد، چون در ابتدا و انتهای سوره خطاب با پیامبر می‌باشد که به عبادت خداوند و استغفار و توبه فرمان می‌دهد. پس از بیان این موارد در آخر سوره خداوند پیامبر را به صبر امر می‌کند و می‌فرماید: (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً) (هود: ۱۱۸): اگر خدا می‌خواست همه را یک امت واحد و بر یک دین قرار می‌داد که همه مسلمان باشند و آنها را ناچار به پذیرش اسلام می‌کرد، اما این کار

مخالف با تکلیف بود و هدف تکلیف را از بین می‌برد، زیرا غرض از تکلیف استحقاق ثواب و پاداش است، و پذیرفتن دین از روی اجبار و ناچاری، از استحقاق ثواب جلوگیری کند، و به همین جهت خداوند چنین چیزی را نخواست و اراده کرده است که مردم از روی اختیار ایمان بیاورند تا مستحق ثواب گردند. علاوه بر صبر، خداوند پیامبر را به عبادت و توکل امر می‌کند و یادآور می‌شود که پروردگار از اعمال بندگان غافل نیست و هرکس را بر اساس استحقاقی که از نظر ثواب و عقاب دارد جزا و پاداش خواهد داد، پس ای پیامبر روی گرداندنی و اعراض مردم از پذیرش دستورات الهی تو را غمگین و محزون نسازد (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۱۲).

سرگذشت هفت تن از پیامبران پیشین و مبارزات آنها با مخالفانشان در این سوره بیان شد و به بیان علت رفتارهای مخالفان با پیامبران پرداخته است. بیان شخصیت هود (ع) در این سوره، مواردی که به قومش متذکر می‌شود و بازخوردی که از آنها دریافت می‌کند با هدف سوره مطابقت دارد. علاوه بر این که این رفتارها، موضوعات موجب رنجش خاطر پیامبر بودند. داستان هود (ع) در این سوره از نظر هدف و محتوا در ارتباط تنگاتنگ با سایر سیاق‌ها و هدف تربیتی سوره بوده و دیدگاه شحرور که داستان‌ها را حول شخصیت داستان می‌داند نادرست می‌شمرد.

در مورد اشتراک سیاق مربوط به هود (ع) با سایر سیاق‌ها و در جهت غرض سوره که ناکامی دشمنان اسلام در برابر دعوت توحیدی پیامبران می‌باشد می‌توان گفت: نخست مردم را به عبادت خدا فرا می‌خواندند (چون خداوند را خالق می‌دانستند و وجود خداوند را باور داشتند) و از شرک و گناه منع کرده و به آگاه ساختن جامعه و اندرز می‌پرداختند. در مرحله دوم که سرسختی مخالفان و بی‌اعتنایی آنان به اندرزها را می‌دیدند، اتمام حجّت کرده و به آنان هشدار می‌دادند که عذاب الهی در راه است. در مرحله سوم عذاب الهی فرا

رسیده و ستمکاران گمراه را نابود می‌ساخت و مؤمنان راست‌کردار به راه کمال و سعادت می‌رفتند.

۵-۴-۴) سوگندهای سوره

در سوره هود به طور واضح از کلمات سوگند استفاده نشده است، لکن قرآن پژوهان، در آیات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۲۵، ۷۹، ۹۶، ۱۱۰ و ۱۱۹ لام به کار رفته در آیه را به منزله سوگند قرار داده‌اند. یک نمونه از این موارد تفصیل خواهد شد:

(وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ...) (هود: ۸/۱۱) حرف "لام" در آغاز آیه، لام قسم است، و به همین جهت جواب سوگند را با آوردن حرف لام و با نون تاکید دوچندان نموده و فرمود: و سوگند می‌خورم که اگر ما عذابی را که این کفار مستحق‌اند تا مدتی معین از آنان تاخیر بیندازیم، به استهزاء خواهند گفت: چه چیز خدا را از فرستادن عذاب جلوگیری کرد پس چرا آن عذاب را بر ما نازل نکرد؟ و چرا آن بلاء بر سر ما نیامد؟ در این آیه اشاره و دلالت است که کفار، وقتی از کلام خدای تعالی و یا از زبان پیامبر (ص) وعده عذابی را شنیدند که پناهی از آن نبود و وقتی دیدند که خداوند به سبب رحمت، عذاب را نفرستاد، دست به تمسخر زده و از در استهزاء گفتند: پس آن عذاب چرا نیامد؟ مؤید این دلالت این است که در آخر آیه فرموده: (أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لُيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ) (هود: ۸/۱۱) «آگاه باشند که روزی که آن عذاب بیاید دیگر از آنان بر نخواهد گشت». مابقی آیاتی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، لام که به منزله سوگند در نظر گرفته شده، برای تأکید مطلب است.

آیاتی که در آن‌ها لام سوگند آمده در مورد آزمایش انسان‌ها با آسایش و دشواری‌ها و ارسال رسل برای هدایت آن‌ها است. یک مورد در مورد تهدید کفار به عذاب و یک مورد درباره تهدید لوط از جانب قومش است. از این نتیجه آماری می‌توان گفت: در فراز

و نشیب زندگی دنیا و آزمایش‌هایی که انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند، توسط پیامبران مورد راهنمایی قرار می‌گیرند؛ لکن کسی که در برابر پیامبران نافرمانی کند، ناکام خواهد ماند و گرفتار عذاب خواهد شد.

۵-۵) تحلیل ساختاری جایگاه هود (ع) در سوره هود

علاوه بر سیاق مربوط به هود (ع) در این سوره، نام این پیامبر یک بار هم در سیاق مربوط به شعیب آمده است. در سیاق اصلی (آیات ۵۰-۶۰) مسائلی که برای ایشان پیش آمده بازگو شده است. از ابتدای رسالت و دعوت قوم تا رفتارهایی که قوم با ایشان و گفتگوهایی که بین آن‌ها ردوبدل شده است. هود (ع) با عبادت خدا دعوتش را آغاز کرد، سعی کرد خالقیت خداوند را برای آن‌ها یادآوری کند و راه ارتباط با خالق را برای آنها تشریح کرد، راهی که موجب آسایش دنیوی و زیاد شدن نعمت‌ها می‌شود که اگر اطاعت می‌کردند، مجرم و گناهکار نبودند. مردم نه تنها اطاعت نکردند، بلکه وقیحانه به او تهمت زدند، چون علیه بت‌ها سخن می‌گفت، معتقد بودند بت‌ها به او آسیب رسانده‌اند.

هود (ع) با آن‌ها تحدی کرد چون توکلش به خدایی بود که زمام تمام امور در قدرت اوست. نافرمانی اکثریت از هود (ع) و گرفتار شدن به عذاب و دچار شدن به لعنت در دنیا و قیامت در این سیاق مطرح شد. سیاق مربوط به شعیب آیات ۸۴ تا ۹۵، درباره رسالت شعیب و دعوت قوم و نهی از فساد اقتصادی بیان شده است. در مورد دعوت قوم و پذیرفتن دعوت شعیب از سوی قومش و تمسخر وی، با سیاق مربوط به هود (ع) مشابهت دارد؛ به همین دلیل شعیب سرانجام اقوام پیشین از جمله قوم هود را برای آن‌ها یادآوری می‌کند. در مورد ارتباط و جایگاه هود (ع) با کل سوره می‌توان گفت: چون سوره با خطاب به پیامبر (ص) آغاز شده و با دستورهایی به ایشان خاتمه یافته، مسائلی که در سوره آمده برای انگیزه و استقامت بیشتر پیامبر (ص) در مسیر رسالت است.

سرگذشت هود (ع) از دعوت به عبادت خداوند، شرک نورزیدن، استغفار و توبه، افترا زدن به هود (ع) از جانب قومش در حالی که هود (ع) از خودشان بود و از آن‌ها طلب اجر نکرد، مبارزه طلبی هود (ع) و توکل ایشان به خداوند در برابر رفتارهایی که با او می‌کردند با مسائلی که پیامبر (ص) با آن روبه‌رو بود مطابقت دارد. در آخر سیاق هم نجات و پیروزی را مخصوص پیامبر و مؤمنان با او بیان می‌کند تا علاوه بر تسلی خاطر پیامبر (ص)، از سرانجام مشرکانی که با ایشان مخالفت می‌کردند براساس سنت جاری خداوند آگاه شود.

شاید همین امر موجب شده بود که پیامبر (ص) همواره برای امتش طلب استغفار می‌کرد و از خداوند خواستار شفاعت امت شد. (إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةَ دَعَا بِهَا لَأُمَّتِهِ، وَ إِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَتِي لَأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ): «هر پیامبری برای امت خود دعایی دارد و من دعای خود را برای شفاعت امتم در روز قیامت پنهان کردم» (قضاعی، ۱۳۶۱). هیچ‌گاه بر ناملایمات قومش شکوه نکرد و برای هدایت آن‌ها دعا می‌کرد. نگران امتش بود تا مبدا سرانجامی مانند سرانجام اقوامی مانند قوم هود، که خداوند داستان آن‌ها را در قرآن بیان کرده دچار شوند.

۶- نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله گذشت، چنین حاصل می‌شود که در ارتباط ساختاری، با ارجاع دادن آیات به یکدیگر و با توجه به نص قرآن، داستان هود (ع) با سایر اجزاء سوره و سیاق‌ها براساس کلمات کلیدی با یکدیگر ارتباط لفظی و معنوی دارند و از بررسی محتوایی داستان هود (ع) به دست آمد که در مورد دعوت به توحید عبادی، تقوا، استغفار و توبه است، همچنین مضمون این داستان در راستای غرض سوره که تسلی خاطر پیامبر اسلام و سرانجام مخالفت و ناکامی دشمنان ایشان می‌باشد، مرتبط است. این مطالب

در طی زمان جاری هستند و انسان امروزی به آن‌ها نیاز دارد. سیاق‌ها در بیان علت این ناکامی و دلیل رفتار مخالفان موید یکدیگرند، چنانچه امروزه دلیل رفتار مخالفان همین موارد است.

بیان داستان هود (ع) در سوره هود، ارتباط رسالت با توحید و هدایت را نشان می‌دهد و از بررسی ساختاری داستان قوم هود و ارتباط آن با کل سوره هود مطالب تربیتی، اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و توصیه به انجام آن، برای مردم و برای پیامبر به دست آمد که نشان از جاری و ساری بودن داستان‌ها در عصرهای متمادی است. می‌توان گفت: آنچه به صورت وحی بر پیامبر نازل شده ریشه در قانون ثابت و غیرقابل تغییر جهان دارد و هرگز دستخوش زمان و مکان افراد نمی‌شود: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج/۲۱). بایدها و نبایدها که در داستان هود (ع) آمده، در سایر داستان‌ها وجود داشت چون اصل و جوهره همه انسان‌ها یکی است فقط ظواهر دچار تغییر و تحول می‌شوند. وجود انسان‌ها ثابت است بنابراین، اصول و آنچه باید به آن عمل کند و از آن دوری گزیند در داستان‌ها ثابت است. خداوند در هر شرایطی آنچه از حقایق را لازم دانسته به صورت وحی بر پیامبران نازل کرده و بشر آن‌را براساس زندگی مادی و معنوی خود تطبیق می‌دهد «سُتَّ مِّن قَدَارِ سُلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» (اسراء/۷۷).

وحدت پیام انبیا در قصه‌های مختلف روشن می‌شود و پیامبران در زمان‌های مختلف یک وحدت رویه داشتند چون دین براساس فطرت انسان‌هاست «فَطَرَتَ اللّٰهِ الَّتِیْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ» (روم/۳۰)، نیازهای بنیادی انسان در طول تاریخ ثابت است، ولی وسایل رسیدن به هدف متغیر است.

شعور هر جا خواسته، نظر شخصی خود را از آیات بیان کرده و هر جا خواسته، از آیات استفاده کرده است. او مبنای کارش را معین نکرده، تحلیل او از آیات، مبنای درستی ندارد و بر اساس سلیقه و نظر شخصی آن را انجام داده است. شعور از داستان هود (ع)

فقط عبادت خدا و دعوت توحیدی را استنباط کرده و معتقد است که گذشتگان عقیده‌ای را شکل دادند که مؤمنان، حافظان رسالت و مخالفان، مخالف پیامبر هستند. درحالی‌که اطاعت از رسول، تقوا، استغفار، توبه و سایر موارد اعتقادی، تربیتی و اخلاقی و وجود مؤمنان و مخالفان با بیان ویژگی آن‌ها و علت رفتارهایشان در داستان بیان شده است.

فهرست الفبایی منابع و ماخذ

الف) منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۵): *نظم قرآن*؛ تهران: انتشارات قلم.

بهبخت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲): *همگام با وحی*؛ قم: تمهید.

ترشیزی، حجت؛ عباس همامی (۱۳۹۸): «کوششی در جهت کشف ساختار سوره یس با رویکرد پدیدارشناسانه»، پژوهش دینی، دوره ۱۹، شماره ۳۹.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲): *تفسیر تستیم*؛ قم: اسراء.

حکم آبادی، حجت اله و همکاران (۱۳۹۸): «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره مبارکه احزاب»؛ کتاب قیّم، دوره ۹، شماره ۲۱.

خامه گر، محمد (۱۳۸۸): «روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره ها»؛ پژوهش‌های قرآنی؛ دوره ۱۵، شماره ۵۷.

رجب‌زاده، شیرین و همکاران (۱۴۰۰): «بررسی دیدگاه شحرور در تفسیر نو اندیشانه او»؛ مطالعات تفسیری، دوره ۱۲، شماره ۴۷.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷): *تفسیر قرآن مهر*؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

سبحانی، جعفر (۱۳۶۰): *مثنوی جاوید*؛ قم: انتشارات امام صادق (ع).

شحرور، محمد (۱۹۹۰م): *الکتاب و القرآن*، قراءة معاصرة؛ دمشق: الاهالی للطباعة و النشر و التوزیع.

شحرور، محمد (۲۰۱۰م): *التقصص القرآنی*؛ مدخل الى القصص و قصه آدم؛ بیروت: دارالساقی.

شحرور، محمد (۲۰۱۲م): *السنه الرسوليّه و السنه النبویه*؛ بیروت: دارالساقی.

شحرور، محمد (۲۰۱۲م): *القصص القرآن قراءه المعاصره (من نوح الى يوسف)*؛ بیروت: دارالساقی.

شحرور، محمد (۲۰۱۷م): *قراءات معاصره فی النص القرآنی*؛ بیروت: مرکز الحضاره لتنمیة الفكر الاسلامیه.

صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸): *ترجمه قرآن کریم براساس تفسیر المیزان*؛ قم: دفتر نشر معارف.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴): *تفسیر المیزان*؛ مترجم محمدباقر موسوی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴): *مجمع البیان*؛ مترجم حسین نوری همدانی؛ تهران: فراهانی.

علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷): نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورت‌نگری و ساختارگرایی)؛ تهران: سمت.
 قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱): شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم)؛ تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

کاشانی، فتح الله (۱۳۳۶): منهج الصادقین؛ تهران: کتابفروشی اسلامیه.
 لایقی، فاطمه؛ عباس همای (۱۳۹۹): «ساختارمعنایی سوره احزاب و جایگاه آیه تطهیر در آن»
 پژوهشنامه قرآن و حدیث، دوره ۱۳، شماره ۲۶.

مححص، مرضیه؛ هاله بادینده (۱۳۹۸): «تحلیل و نقد نگرش محمد شحرور درباره سنت نبوی»؛ مجله
 آینه معرفت؛ دوره ۱۹، شماره ۳.

هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶): تفسیر راهنما؛ قم: بوستان کتاب.

(ب) سایت‌ها

۲۳- بطحایی، علی. «جریان‌شناسی و آینده‌نگاری چالش‌های جوامع مسلمانان»، <http://muslimna.ir>

۲۴- ناصری طاهری، عبدالله. «درباره محمد شحرور». [www.https://dinonline.com/814](http://www.dinonline.com/814)

Examining Mohammad Shahrour's Point of View about Quranic Stories Based on Structural Relationship (Case study: Verses Related to the Story of Hud (PBUH) in Surah Hud)

Mahnaz Rahati Belabad

PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, I.R Iran
Susan Ale Rasoul¹

Associate Professor of Department of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad
University, Karaj, I.R Iran

Tahmina Parsai

Assistant Professor of Department of Quranic and Hadith Sciences, , Karaj Branch, Islamic Azad
University, Karaj, I.R Iran

Date of Receipt: 04/04/2024

Date of Acceptance: 05/07/2024

Abstract

Mohammad Shahrur, a Syrian Qur'an scholar, considers the stories of the Qur'an to be historical events that have nothing to do with the Sharia and the obligation to obey, but instead show the struggle of man with nature and society, and, a new scientific understanding should be deduced from them. According to the method of 'Structural Relationship (Context)', which is used to discover the systematic connection of the parts of the Qur'an, each Surah has several structures and the purpose of each structure is in line with the main purpose of the Surah.

In this article, with the descriptive-analytical method, the structural connection of the verses related to the story of Hud (PBUH) in Surah Hud was investigated in line with the main purpose of the Surah and the relationship with other parts of the Surah, and it was compared with Shahrur's theory. Shahrur only dealt with the story of Hud (PBUH) from a historical perspective, however, in the structural analysis of the relationship of the story of Hud (PBUH) with other parts of the Surah, important purposes such as monotheism, guidance, training, etc., were obtained; moreover, by analyzing the Contexts, the relationship between monotheism and prophethood was clarified.

Keywords: Qur'anic stories, Surah Hud, Shahrur, Structural Relationship (Context)

1-Corresponding Author: s_alerasoul@kiauo.ac.ir